

واکاوی پیشران‌های خارجی تمدن نوین اسلامی

غلامرضا کریمی*
دانشیار دانشگاه خوارزمی

چکیده

آینده‌پژوهی و واکاوی پیشران‌های جهانی و ترسیم فضای حاکم بر آینده روابط فرهنگی بین-المللی، چهارچوب مناسبی را برای ارائه تفسیری معقول از آینده درخشان و درعین حال تحول-پذیر تمدن نوین اسلامی فراهم می‌آورد؛ به گونه‌ای که با بررسی زمینه‌ها و روندهای تأثیرگذار بر نقش‌آفرینی تمدن نوین اسلامی در حوزه خارج از جهان اسلام، می‌توان به نیروهای در حال شکل‌گیری در آینده نظام فرهنگی بین‌المللی اشاره کرد و به این نتیجه رسید که با توجه به آینده روندهای فرهنگی جهانی، تمدن نوین اسلامی توانایی ایفای نقش بالنده در نظام بین‌الملل در حال تغییر و همچنین قابلیت شکل‌دهی به هندسه قدرت جهانی را داراست؛ چراکه با توجه به شرایط متحول، پویا و انتقالی نظام بین‌الملل که با روندهای پیچیدگی، شفافیت و آسیب‌پذیری همراه است- تمدن نوین اسلامی قابلیت آن را دارد که به نقش‌آفرینی فزاینده در آینده روندهای فرهنگی - تمدنی جهانی در خارج از جهان اسلام مبادرت ورزد و به بازیگری تأثیرگذار بر نظام تصمیم‌گیری جهانی تبدیل شود. این مقاله با طرح این پرسش که مهم‌ترین پیشران‌های خارجی تمدن نوین اسلامی چیستند و چگونه پیشبرد این ایده را عملیاتی و تثبیت می‌کنند، به شناخت دقیق تمدن نوین اسلامی و واکاوی پیشران‌های ظهور و پیشبرد آن در خارج از جهان اسلام در سطوح دولت‌ها، ملت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی می‌پردازد.

واژگان کلیدی: پیشران‌ها، آینده تمدن اسلامی، تمدن نوین اسلامی، خارج از جهان اسلام.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۳/۳۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۸/۱۶
آدرس نویسنده عهده‌دار مکاتبات: ghkarimi@khu.ac.ir

مقدمه

تاکنون اندیشمندان زیادی برای «بازگشت به اسلام» و احیای تفکر دینی تلاش کرده‌اند؛ اما اوج «خویشن‌یابی اسلامی»، با اندیشه حضرت امام خمینی؛ شکل گرفت که تبلور آن وقوع انقلاب اسلامی در ایران بوده و جمهوری اسلامی مبدأ حرکت و بیداری اسلامی در جهان شده است. طرح ابتکاری «برپایی تمدن نوین اسلامی» توسط مقام معظم رهبری در شرایط کنونی، همان احیای عزت و کرامت مسلمانان و برخورداری از دستاوردهای علمی و فناورانه، بدون سلطه‌گری و سلطه‌پذیری است. اگر این مؤلفه‌های مفهومی به‌خوبی به‌کار گرفته شوند، برپایی تمدن نوین اسلامی و جهانی شدن این تمدن امکان‌پذیر می‌شود. البته ایشان تأکید داشتند که شکل دادن به تمدن نوین اسلامی باید مبنای تمامی برنامه‌ریزی‌های داخلی باشد؛ ولی نوع جهت‌گیری و راهبرد فرهنگی و علمی در خارج از کشور باید متأثر از این هدف کلی نظام (تمدن‌سازی نوین اسلامی) باشد.

اکنون با آگاهی از جایگاه روابط فرهنگی در مناسبات بین‌المللی و با شناخت کشورها، ضمن یادگیری و رعایت قواعد بازی و با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین ارتباطی، می‌توان از فرصت‌های موجود در این زمینه برای معرفی تمدن و ارزش‌های فرهنگ اسلامی به دنیای خارج بهره برد. رسالت انقلاب اسلامی و پیشنهاد درخشان تمدن ایرانی، گسترش فرهنگ ایرانی - اسلامی را در دستور کار سیاست خارجی جمهوری اسلامی قرار داده است؛ به‌گونه‌ای که سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی، ایران را یک کشور الهام‌بخش در زمینه و گفتمان آزادی، عدالت و رهایی‌بخشی تعریف می‌کند.

اهمیت مسئله پژوهش از آن‌روست که به‌همان میزان که غرب در راستای گفتمان دموکراسی‌خواهی حرکت می‌کند، جمهوری اسلامی ایران، و در قالبی بزرگ‌تر امت اسلامی، به‌دنبال رهایی‌بخشی از نظام سلطه و احیای تمدن گذشته اسلامی در شرایط عصر حاضر است. بستر شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، صرفاً در درون کشورهای اسلامی نیست؛ بلکه باید زمینه‌های نهادینه کردن و پیشبرد این ایده کلان در کل جهان نیز فراهم شود؛ بنابراین، واکاوی پیشران‌های شکل دادن به تمدن نوین اسلامی در سطوح دولت‌ها، ملت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در حوزه خارج از جهان اسلام، ضروری به‌نظر می‌رسد.

۱- چهارچوب نظری

از آنجاکه شکل‌گیری و تثبیت تمدن نوین اسلامی نیازمند تغییر تدریجی در ساختار نظام بین‌الملل و تغییر ماهیت آن است، چهارچوب نظری حاکم بر این مقاله، نظریه رژیم‌های بین‌المللی است که هسته اصلی آن، ثبات نظام بین‌المللی و چگونگی تغییر است. رژیم‌های بین‌المللی، مجموعه‌ای از اصول، هنجارها، قواعد و رویه‌های تصمیم‌گیری است که به‌واسطه آنها توقعات بازیگران درباره موضوعی خاص باهم تلاقی می‌کند و خواسته‌های بازیگران برآورده می‌شود؛

از این رو، رژیم‌ها در تمامی مسائل مربوط به نظام بین‌الملل، از جمله در فرهنگ، اقتصاد، امنیت، محیط‌زیست، حقوق بشر و...، قابلیت طرح شدن دارند (Keoheane, 1984: p.54).

جان راگ جی در سال ۱۹۷۵م مفهوم رژیم‌های بین‌المللی را وارد ادبیات سیاسی بین‌المللی کرد و چنین تعریفی از رژیم‌ها ارائه داد: «مجموعه انتظارات متقابل، قواعد و مقررات، برنامه‌ها، انرژی‌های سازمانی و تعهدات مالی، که توسط گروهی از دولت‌ها پذیرفته شده‌اند». در مقابل، ارنست هاس رژیم‌ها را ترتیبیاتی جهت حل اختلافات می‌داند و معتقد است که یک رژیم شامل مجموعه‌ای از رویه‌ها، مقررات و هنجارهای منسجم متقابل است (Hass, 1985: p.26-27).

هر رژیم، به دو وجه شکلی و ماهوی بر رفتار تأثیر می‌گذارد. هنجارها و آیین‌های رفتاری تعیین می‌کنند که چه کسانی در رژیم عضویت داشته باشند؛ چه موضوعاتی از ارجحیت برخوردارند و در نهایت، چه قواعدی به خدمت حفظ یا تغییر رویه‌ها می‌آیند. می‌توان گفت که پیام اصلی نظریه‌پردازان تئوری رژیم‌های بین‌المللی این است که چون رژیم‌ها بر رفتار تأثیر می‌گذارند و الگوسازی می‌کنند، شناخت این رژیم‌ها، به پژوهشگران امکان درک صحیح‌تری از پویای بین‌المللی را ارائه می‌کند (سیف‌زاده، ۱۳۷۶: ص ۶۴۲).

رژیم‌های بین‌المللی، در عرصه‌های مختلف روابط بین‌الملل به عنوان مکانیسم‌های همکاری بین دولت‌ها مطرح‌اند که ایجاد اعتماد و امنیت می‌کنند و به ثبات نظام بین‌الملل یاری می‌رسانند. به عبارت دیگر، باید گفت که مهم‌ترین نقش رژیم‌های بین‌المللی، در ایجاد همکاری بین دولت‌هاست؛ یعنی رژیم‌ها به عنوان یک مکانیسم، چرخ همکاری بین دولت‌ها را چرب می‌کنند؛ باعث می‌شوند آن عامل عدم اطمینان و نامعلومی که در نظام بین‌الملل وجود دارد، کاهش پیدا کند. درواقع، رژیم‌های بین‌المللی آن اطلاعات را در نظام بین‌الملل ارائه می‌نمایند و پس از ایجاد همکاری، به نظم و ثبات سیستم کمک می‌کنند (عسگرخانی، ۱۳۷۵).

نهادها و سازمان‌های بین‌المللی، هنجارهای بین‌المللی و رژیم‌های بین‌المللی نیز بازیگران را به سمت بازتعریف منافع و حتی هویت‌هایشان سوق می‌دهند. آنچه در اینجا بیشتر به بحث مربوط می‌شود، تأثیر عوامل فرهنگی در شکل دادن هویت‌ها، منافع و رفتارهاست که در قالب این نظریه قابل تبیین است. با توجه به تغییرپذیر بودن هویت و منافع، برداشت کشورها از خود، منافع و اهدافشان نیز اموری تغییرپذیرند. بنابراین، دولت‌ها که در یک برهه زمانی براساس اصولی چون خودیاری، حفظ امنیت و منافع ملی عمل می‌کردند، اگر در دوره زمانی دیگر تحت قواعد مشخص با یکدیگر همکاری داشته باشند، مسلماً اعتقاداتشان در این باره که «کیستند» و «چه ارتباطی با بقیه جهان و نظام بین‌الملل دارند»، تغییر می‌یابد. با عادت یافتن به همکاری، ممکن است هویت‌های جمعی شکل گیرد؛ و با شکل گرفتن هویت‌های جمعی، امکان همکاری باهم بیشتر می‌شود و این به معنای امکان تحول ساختاری تدریجی در نظام بین‌الملل و رهایی از آنارشی در آن است. (Hopf, 1998: p.174).

۲- ضرورت تمدن نوین اسلامی

فرهنگ اسلامی از تمدن اسلامی تمایزپذیر نیست؛ چون دین الهی اساس مشترک آنهاست و به تعبیری فرهنگ آنها همان دین است؛ از این رو در یک تمدن دینی، دین فقط یک عامل از عوامل تشکیل‌دهنده فرهنگ نیست؛ بلکه واقعیت دین‌داری، کل فرهنگ را تشکیل می‌دهد. این تمییزگذاری در نگاه راهبردی، به این منظور اهمیت دارد که امروزه افول و عقب‌افتادگی جهان اسلام، در حوزه تمدن اسلامی است، نه فرهنگ اسلامی؛ یعنی این عقیده وجود دارد که در حال حاضر فرهنگ اسلامی از همه فرهنگ‌ها برتر است و این همان معنای حدیث نبوی است که «اسلام برتری می‌گیرد و چیزی بر آن برتری نمی‌یابد». این برتری به واسطه شامخیت مقام فرهنگ اسلامی است؛ در حالی که تمدن و پیشرفت آن، از یک سو به کوشش و تلاش خود افراد جوامع بستگی دارد و از سوی دیگر به اوضاع و احوال و حوادث دوران‌ها مربوط می‌شود. آیا تأکید بر تحقق تمدن نوین اسلامی، اشاره به یک امر ممکن است یا غیرممکن؟ آیا امت اسلامی می‌تواند منادی تمدن نوینی باشد؟ مبانی و لوازم تمدن‌سازی کدام است؟ با توجه به اینکه نظام حکومت در ایران جمهوری اسلامی است و اسلام به عنوان آیین زندگی و حکومت پذیرفته شده است، آیا دین و نظام حکومتی متکی و مبتنی بر دین، می‌تواند تمدن‌ساز باشد؟ با توجه به ضرورت تمدن نوین اسلامی و جایگاه آن در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، به معرفی پیش‌نیازهای ایجاد تمدن اسلامی نیاز است؛ که مهم‌ترین لوازم و پیش‌نیازها عبارت‌اند از:

درک اهمیت و جایگاه تمدن اسلامی؛

توجه به عقل و افزایش وزن آن در مباحث دینی؛

نگاه ارزشمند به میراث گذشتگان و ارزش قائل شدن برای اندوخته‌های معرفتی پیشینیان؛

ایجاد فضای امید و افزایش اعتماد به نفس اسلامی؛

گسترش فضای تحقیق و ترجمه، و توجه به لوازم و شرایط آن؛

گسترش فضای نقد علمی و تبدیل آن به فرهنگ عمومی؛

پرهیز از سیاسی کردن نظریات و دیدگاه‌های علمی (شریفی‌نیا، ۱۳۷۹: ص ۱۰-۵).

انقلاب اسلامی ملت ایران سرآغازی برای شکل‌گیری امت واحده و برپایی حکومت جهانی اسلام برپایه قرآن و عترت است. موج عظیم انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی، جبهه اسلامی را که جمهوری اسلامی ایران در کانون آن قرار دارد- امروز به عنوان بزرگ‌ترین و جدی‌ترین جبهه معارض استکبار جهانی شکل داده است. همچنین تجربه موفق جمهوری اسلامی ایران به عنوان نمونه عملی حکومت دینی و اسلامی در عصر حاضر، و تحولات عرصه بین‌الملل، شرایطی مساعد برای دستیابی نظام به اقتدار فرهنگی بین‌المللی فراهم آورده است؛ اما گسترش موج بیداری و حرکت ملت‌ها در جهان اسلام و عرصه بین‌الملل، بیش از آنکه ناشی از حرکتی

برنامه‌ریزی شده باشد، نتیجه قهری ظرفیت اسلام ناب، پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار مبنای و استحکام اصول آن، و استمرار ثبات و پیشرفت جمهوری اسلامی ایران و مواضع برحق آن در حمایت از مظلومان و مستضعفان و مقابله با استکبار جهانی بوده است؛ و نظام سلطه امروز با همه توان، یک جبهه عظیم و پیچیده فرهنگی و جنگی تمام‌عیار را با اسلام ناب، گفتمان انقلاب اسلامی، امت مسلمان و ملت‌های حق‌طلب، و در رأس همه با ایران اسلامی سازمان‌دهی کرده است (سند راهبردی برنامه اول توسعه فرهنگی، ۱۳۸۹).

انقلاب اسلامی ایران از آغاز، با تأکید بر رشد و شکوفایی فردی و اجتماعی در سایه آموزه‌های اسلامی شکل گرفت و استقرار جمهوری اسلامی، نویدبخش تحقق تمدنی نوین بود. به نظر می‌رسد که تاریخ بار دیگر راه را برای احیای تمدن اسلامی هموار کرده است. نخبگان و توده مردم اراده‌ای معطوف به تمدن‌سازی دارند و اسلام و ایران نیز برخوردار از تجربه تمدن‌سازی‌اند. آنچه در این زمینه امکان بالقوه تمدن‌سازی را فعلیت می‌بخشد، خلاقیتی است که در سایه آزادی، دانش و دانایی شکوفا می‌شود.

شکل دادن به تمدن نوین اسلامی باید مبنای تمامی برنامه‌ریزی‌های داخلی کشور باشد؛ ولی نوع جهت‌گیری و راهبرد فرهنگی و علمی در خارج از کشور، به‌ویژه در حوزه جهان اسلام، باید متأثر از این هدف کلی نظام (تمدن‌سازی نوین اسلامی) باشد.

۳- مؤلفه‌های نوین تمدن اسلامی

شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری، بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹). محوریت قوانین قرآن، ایمان، علم، اخلاق، مجاهدت، حکومت مردمی و اندیشه پیشرفته، اجتهاد و پاسخگویی به نیازهای نوین بشر، پرهیز از تحجر و ارتجاع و نیز بدعت و التقاط، ایجاد رفاه عمومی، استقرار عدالت و دفاع از مظلومان عالم است که وجه مشترک شاخصه‌های این تمدن در دیدگاه معظم‌له و دیگر اندیشمندان اسلامی است. ایشان از ابتکار و خلاقیت، توجه به رسانه‌های مدرن، هنر، سینما، بهبود روابط بین‌الملل، و صدور احکام فقهی متناسب با نیازهای جدید بشری، به‌عنوان شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی یاد می‌کنند که همین شاخصه‌ها قابلیت این را دارند که جهان‌بینی مادی ظالمانه غرب را به‌سوی سعادت برهانند.

۴- پیشران‌های تمدن نوین اسلامی در خارج از جهان اسلام (دولت‌ها، ملت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی)

روندها، رویدادها، تصورات و اقدام‌ها، چهار عامل و مؤلفه شکل‌دهنده و ترسیم‌گر آینده جهان‌اند. «روند» به پیوستگی تاریخی و زمانی اشاره دارد و «رویداد» بر گسستگی‌های

تاریخی تأکید می‌ورزد. روند، ترسیم تغییرات منظم داده‌ها یا پدیده‌ها در گذر زمان است. (Onut, 1989)

روندها از گذشته آغاز می‌شوند و تا آینده ادامه می‌یابند. برخلاف روندها، رویدادها برآیند پیشامد یا رخدادها هستند که به‌شدت بر روندها و به‌صورت کلی بر آینده، تأثیر می‌گذارند. نخستین گام آینده‌پژوهان برای مطالعه آینده در هر حوزه‌ای، شناسایی و تحلیل کلان‌روندهای جهانی است. بررسی روندهای جهانی باید با نگاه به حوزه مورد مطالعه در فرایند آینده‌پژوهی صورت گیرد. کلان‌روندهای جهانی، چهارچوب و قلمرو گام‌های بعدی فرایند را تعیین می‌سازند. یکی از راهبردی‌ترین مسائل آینده‌پژوهی، مطالعه روندهای تحولات جهان اسلام در آینده است. گام نخست آینده‌پژوهی در این حوزه، شناسایی و تحلیل روندهای تأثیرگذار بر جهان اسلام و خارج از آن از دو زاویه است: زاویه نخست، به روندهایی اختصاص می‌یابد که به‌طور مستقیم بر این حوزه تأثیر گذارند و شکل‌دهی آینده اسلام و مسلمانان را هدف گرفته‌اند؛ زاویه دوم، روندهایی را دربرمی‌گیرد که روندهایی عام یا روندهای ویژه حوزه‌های دیگری هستند که بر حوزه موردنظر نیز به‌طور غیرمستقیم مؤثرند. ناگفته پیداست که در هیچ کتاب، مقاله یا نشریه‌ای، تمامی روندها و پیشران‌های جهان اسلام ارائه نشده است؛ زیرا بسیاری از روندها در پی برخی رویدادها شتاب می‌گیرند و روند تازه‌ای را شکل می‌دهند؛ چنان‌که برخی از روندها در پی رویداد ویژه‌ای از بین می‌روند. پیشران‌ها عوامل اصلی تغییر در گستره روابط بین‌الملل و زیرسیستم‌های منطقه‌ای به‌شمار می‌روند. این پیشران‌ها، برخی به سازوکارهای رسمی بازمی‌گردند که منبعث از ورودی یا خروجی ناشی از تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری‌های نهادها و مسائل مترتب بر آن‌اند؛ و گاهی پیشران‌های شفاهی در قالب خلق و خوی رفتاری و اعلانی افراد تصمیم‌گیرنده را دربرمی‌گیرند؛ سنن و آداب و رسوم و سازه‌های هویتی - انگاره‌ای کشورها نیز تولیدکننده روندها و پیشران‌های مهم‌اند که در طول زمان انباشه شده‌اند.

در زمینه «قواعد تمدن‌سازی و آینده تمدن‌سازی»، دکتر محمود سریع‌القلم درباره نحوه تطبیق میان اصول ثابت تمدن‌سازی و شرایط فعلی دنیای اسلام چهار فرضیه مطرح ساخته است که تشریح آنها سودمند خواهد بود. ایشان در پاسخ به امکان فعلیت یافتن فرهنگ و تمدن اسلامی در ۱/۵ تا ۲ قرن آینده، چهار فرضیه را بیان می‌کند:

فرض اول: ظهور تمدن‌ها در تاریخ بشر، تابع قواعد «اگر، پس»، یا به‌زبان منطق، «اصول شرطیه» است: جغرافیای مناسب، استراتژی نخبگان، مسئولیت و جدیت نخبگان، تربیت و ثروت، و دسترسی به منابع؛

فرض دوم: تمدن‌ها عموماً تابع اقداماتی‌اند که به‌دست انسان‌های جدی دارای جهان‌بینی روشن و مجهز به سلاح زمان، تحقق می‌پذیرند؛

فرض سوم: تمدن با کار جمعی و منطق جمعی و اجماع نظر در میان نخبگان و عموم مردم محقق می‌گردد؛

فرض چهارم: تنها زمانی تمدن اسلامی فعلیت می‌یابد که مسلمین فکور، تلفیق میان علم و وحی را استخراج کنند و آن را با گذشت زمان از طریق مدل‌سازی‌های متعدد اصلاح کنند (سریع‌القلم، ۱۳۹۰: ص ۱۶۷).

در آرای پاره‌ای از متفکران اسلامی درباره ویژگی‌ها و مؤلفه‌های تمدن اسلامی، به الهی و جهانی بودن پیام اسلام، اخلاقمندی، معرفت‌خواهی، اعتدال‌جویی و پرهیز از هرگونه افراط و تفریط، عدالت‌گرایی و جذب فرهنگ‌های دیگر، اشاره شده است؛ و درنهایت، رشد تمدن و فرهنگ، بیش از هرچیز محتاج ثبات و استقرار اجتماعی و امنیت، و نیازمند انگیزه تقدیر می‌باشد و خواه‌ناخواه تأسیس یا اعتلای مجدد تمدن اسلامی در گرو توجه به این مؤلفه‌هاست (باوند، ۱۳۷۴: ص ۲۲).

در این راستا، مهم‌ترین پیشران‌های تمدن نوین اسلامی در خارج از جهان اسلام، در سطح دولت‌ها بهره‌گیری مؤثر از ظرفیت فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و جریان‌های عدالت‌خواه، حضور در مجامع و همایش‌های بین‌المللی فرهنگی و هنری و بررسی عملکرد و تأثیر بر خط‌مشی اتاق‌های فکر خارج از جهان اسلام برشمرده می‌شود؛ و در سطح ملت‌ها، گسترش خط، زبان و ادب فارسی و معرفی ارزش‌های فرهنگ و تمدن نوین اسلامی، و اشاعه بیداری اسلامی و نقش آن در فرایند تحقق تمدن اسلامی معرفی می‌شود؛ و در سطح سازمان‌های بین‌المللی، پیشران‌های به‌کارگیری و ارتقای دیپلماسی علمی و فرهنگی، هنجارسازی و تدوین رویه‌ها، اجرای راهبردهای فرهنگ اسلامی در غرب و بهره‌گیری از استعدادهای مسلمان مقیم غرب، شناسایی سازمان‌های مردم‌نهاد علاقه‌مند به جمهوری اسلامی در غرب و تقویت مشارکت با آنها، معرفی تمدن نوین اسلامی در خارج از جهان اسلام به‌عنوان قالب کلان دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی، و همکاری و گسترش ارتباطات در سطوح دانشگاهی و مراکز تحقیقاتی خارج از جهان اسلام بیان می‌گردد.

۴-۱- به‌کارگیری و ارتقای دیپلماسی علمی و فرهنگی خارج از جهان اسلام

در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، کشورها گرد هم آمدند و پس از ریزنی بسیار به این نتیجه رسیدند که یکی از دلایل پیدایش جنگ‌ها و مناقشات بین کشورها و ملت‌ها، عدم شناخت آنها از فرهنگ‌ها و حساسیت‌های فرهنگی، دینی و قومی یکدیگر است. دلیل دیگری که در آن سال‌ها برجستگی یافت، آن بود که کشورها در ارتباط با یکدیگر باید به جنبه علمی و فرهنگی روابط خود نیز بپردازند. از آن به بعد، اندک‌اندک روابط فرهنگی بین‌المللی، دیپلماسی عمومی فرهنگی، دیپلماسی علمی و فناوری، و دیپلماسی رسانه‌ای یا ارتباطی پررنگ‌تر شد. این‌گونه بود که در سال‌های نیمه دوم قرن بیستم، رویکرد جدیدی در دیپلماسی مطرح شد که تأکید بیشتر بر راهکارها و ابزارهای علمی و فرهنگی را به مسئولان و طراحان سیاست خارجی توصیه می‌کرد.

در دو دهه اخیر، موج کاربست دیپلماسی علمی و فرهنگی فزونی گرفت و بیشتر کشورها بیش از هرچیز پذیرای مؤلفه‌ها و کاربست‌های دیپلماسی علمی و فرهنگی شده‌اند؛ چراکه استفاده از نیروی نظامی برای کسب نفوذ، کارایی خود را از دست داده است و هیچ ملتی دیگر زیر بار اشغال نظامی نمی‌رود. از همین روست که توجه و سرمایه‌گذاری‌های کشورها در زمینه دیپلماسی علمی و فرهنگی بسیار افزایش پیدا کرده و اقبال به این نوع از ابزارهای نفوذ غیرمستقیم، اهمیت فراوان‌تری یافته است. اینک کارگزاران سیاست خارجی، دیپلماسی فرهنگی و دیپلماسی علم و فناوری را مهم‌ترین ابزار در سیاست خارجی تلقی می‌کنند و از آن در زمینه‌سازی روابط فرهنگی و گسترش آن استفاده می‌کنند. آنان بر این عقیده‌اند که این ابزار توانمند، به واگشودن بسیاری از تنش‌ها در روابط سیاسی بین کشورها کمک می‌کند (قربانی شیخ‌نشین و کارآزما، ۱۳۹۱).

این ابزار مهم، از طریق گسترش مبادلات فرهنگی و هنری، توسعه همکاری‌های علمی و آموزشی، تعامل نخبگان با یکدیگر، و...، بسترهای مناسب برای درک متقابل جوامع بشری از یکدیگر را فراهم می‌آورد. با ناکارآمدی شیوه‌های قدرت‌محور کنونی در حل و فصل مناقشات و چالش‌های جهانی و برقراری امنیت بین‌المللی، نیاز به استفاده از دیپلماسی فرهنگی بیش‌ازپیش در میان دولت‌ها و کشورها احساس می‌شود. امروزه دولت‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که استفاده از ابزارهای فرهنگی بهترین و کارآمدترین شیوه برای اجرای بهینه سیاست خارجی است. برخی از کارکردها و روش‌های مورد استفاده در دیپلماسی علمی و فرهنگی، شامل آموزش زبان کشور خود به دانشجویان خارجی، معرفی فرهنگ و هنر اسلامی، اعطای بورس تحصیلی به‌منظور اشاعه فرهنگ و زبان کشورها، و حضور در مجامع و همایش‌های بین‌المللی فرهنگی و هنری اسلامی می‌شود (متقی و رشاد، ۱۳۹۰).

۴-۲- اجرای راهبردهای نحوه اجرای فرهنگ اسلامی در غرب و بهره‌گیری از استعداد های مسلمان خارج از جهان اسلام

سازمان آیسیسکو به‌منظور توجه کافی به مسلمانان در غرب، دو راهبرد تدوین کرده است که عبارت‌اند از:

۱. نحوه اجرای فرهنگ اسلامی در غرب؛

۲. راهبرد بهره‌گیری از استعداد های مسلمان مقیم غرب.

این سازمان در اجرای راهبرد نخست، حمایت مؤثر اسلامی خارج از جهان اسلام و هماهنگ ساختن فعالیت‌ها و یکسان‌سازی پیام آنها را در دستور کار خود قرار داده است؛ به‌گونه‌ای که بتوانند مدافع مسلمانان باشند و بدون نقی قوانین کشورهای میزبان و اصول اسلام، از حقوق آنان دفاع کنند. همچنین کودکان مسلمان در غرب، با توجه به یکپارچه‌سازی فرهنگی، مورد توجه این سازمان‌اند. به‌علاوه، تلاش‌های ویژه‌ای برای حصول اطمینان از احترام مقامات

کشورهای میزبان به اعتقادات مسلمانان انجام می‌دهد. افزون‌براین، سازمان از این راهبرد حمایت می‌کند تا در پاسخ به ادعای کذب برضد اسلام، چهره راستین اسلام و مسلمانان را اعاده کند (شیدائیان، ۱۳۸۹).

دراین خصوص، سازمان به‌منظور اجرای فعالیت‌های فرهنگی در غرب و توسعه سازوکارهای اجرایی آن، «شورای عالی آموزش و پرورش و فرهنگ در غرب» را تشکیل داده است. این شورا تشکلی است که برای برنامه‌ریزی فعالیت‌های فرهنگی در غرب از طریق هماهنگی بین مراکز فرهنگی ایجاد شده است. همچنین این شورا به مسائل و مشکلات مسلمانان خارج از دنیای اسلام، به‌ویژه مسائل مذهبی، آموزشی و اجتماعی و زندگی فرهنگی آنان رسیدگی می‌کند (کریمی، ۱۳۹۰: ص ۱۲۹-۱۰۶).

تحقق راهبرد بهره‌گیری از استعدادهای مسلمان مقیم غرب نیز نیازمند ایجاد ساختارهایی معتبر و پاسخگوست که کنش فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را در غرب به‌درستی هدایت کند. ازاین‌رو، لازم است برای سامان‌بخشی گروه‌های مجری راهبرد، سازوکارهایی پیش‌بینی شود و نقش هریک از آنها مشخص گردد. در سازوکارهای یادشده، با سنجیدن همه جوانب، باید سطح هریک از کشورهای اروپایی و منطقه جغرافیایی آنها بررسی شود تا فراگیر بودن راهبرد و نیز کارایی آن در سراسر اروپا تضمین گردد. اتخاذ راهبرد بر مبنای هر کشور، به‌منظور ضمانت توسعه گام‌به‌گام فرهنگ اسلامی و فعالیت‌های آموزشی و تضمین هرچه بهتر منافع و علایق صورت می‌پذیرد. رویکرد مورد استفاده در این راهبرد، به توسعه‌ای تدریجی و پیش‌رونده می‌انجامد که به اجرای هرچه فراگیرتر سازوکارهای کنش فرهنگی اسلامی در اروپا به‌طور گسترده منتهی می‌شود.

۳-۴- گسترش خط، زبان و ادب فارسی، و معرفی ارزش‌های فرهنگ و تمدن نوین اسلامی خارج از جهان اسلام

گستره‌ها و بسترهای جدید جغرافیایی زبان و ادبیات فارسی در جهان: زبان فارسی را باید زبانی بین‌المللی دانست که اکنون، علاوه بر حضور عام در کشورهای ایران، افغانستان و تاجیکستان، در بسیاری از مناطق جهان حضور خاص دارد. زبان فارسی افزون‌بر اهمیتی که در هویت ملی ما ایرانیان دارد، به‌عنوان حامل معارف اسلامی و کلام خدا، نقش تاریخی مهمی ایفا می‌کند. توانایی و انعطاف‌پذیری زبان فارسی در ساخت واژه‌های جدید، آن را زبانی با توانایی برجسته در بیان دستاوردهای علمی دنیای جدید نمایانده است (روح‌بخشان، ۱۳۸۱: ص ۱۲۵-۱۱۶).

باتوجه به اهمیت موضوع، این مطلب بر آن است تا ضمن تأکید بر انتخاب رویکردی واقع‌بینانه و پرهیز از هرگونه نگاه شعاری و جانب‌دارانه، ابتدا به ترسیم جایگاه زبان فارسی در این عصر بپردازد و از مخاطرات پیش‌روی آن پرده بردارد و بر این نکته تأکید کند که پاسداری از زبان

فارسی در این عصر، در وهله نخست، نیازمند طراحی و تدوین سیاست زبانی برپایه مبانی علمی و لحاظ کردن مؤلفه‌های متعدد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و زبانی است؛ سیاست زبانی‌ای که اولویت نخست آن، حفاظت از جایگاه زبان فارسی در داخل و سپس تقویت آن در منطقه و در عرصه بین‌الملل باشد. به‌بیانی روشن‌تر، ضمن تأکید مجدد بر مخاطرات پیش‌روی زبان فارسی در داخل کشور که نتیجه مستقیم نبود سیاست و برنامه‌یزی روشن نهادها و متولیان این موضوع اساسی است- بر این نکته تأکید می‌کند که در وضعیت کنونی، بی‌توجهی به این مهم و پرداختن به برخی شعارهای غیرواقع‌بینانه و دور از دسترس، که عمدتاً پشتوانه علمی ندارد، می‌تواند به سوختن فرصت‌ها و دامن زدن به مشکلات و پیامدهای جبران‌ناپذیری برای زبان فارسی در سطح ملی، و متعاقب آن در عرصه جهانی بینجامد.

سیاست فرهنگی در گسترش زبان و ادبیات فارسی: یکی از اصول مهم مدیریت در حوزه‌های فرهنگی و زبانی، استفاده از تجربیات دیگران در شیوه‌ها و روش‌های به‌کارگیری مختلف سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در امور فرهنگی و زبانی است. زبان و ادب فارسی به‌عنوان دومین زبان جهان اسلام، همواره مورد توجه سرزمین‌های دور و نزدیک بوده است و رواج و احیای زبان فارسی با استفاده از این راهبرد در دیگر کشورها، به گسترش، تقویت، حمایت و بهره‌گیری از ظرفیت، جریان‌ها و فعالیت‌های بومی در جوامع مختلف بستگی دارد (سند پشتیبان نقشه جامع علمی کشور، ۱۳۸۷: ص ۱۷-۱۹).

۴-۴- شناسایی سازمان‌های مردم‌نهاد علاقه‌مند به جمهوری اسلامی ایران در غرب و تقویت مشارکت با آنها

واگذاری فعالیت‌های فرهنگی بین‌المللی به سمن‌ها (سازمان‌های مردم‌نهاد)، فرصت ویژه‌ای برای جهان اسلام است تا بتواند با کمترین هزینه، بیشترین بهره‌برداری را از ظرفیت سمن‌ها انجام دهد. نخستین ظرفیت سمن‌ها این است که مسئله‌محورند و به‌طور معمول به‌صورت تخصصی و در یک موضوع مشخص فعالیت می‌کنند. این ظرفیت، بهترین فرصت را برای نظام فراهم می‌کند تا موضوعات تخصصی در حوزه‌های اجرایی و پژوهشی را به‌راحتی به سمن‌ها واگذار نماید و تنها به‌طور غیرمستقیم بر آنها نظارت کند. درواقع، سمن‌ها دارای انگیزه و دغدغه معنوی‌اند. برای مثال، سمن‌هایی که در راستای گسترش زبان فارسی در خارج از کشور تشکیل شده‌اند، تحقق هدف گسترش زبان فارسی، جدی‌ترین مسئله و دغدغه آنهاست؛ اما به حمایت‌های دولتی نیاز دارند؛ چراکه ممکن است اهداف غیرمربوط را دنبال کنند و می‌بایست از بیرون هدایت شوند تا در راستای منافع ملی نظام فعالیت کنند (طلوعی اشلقی و داوودی، ۱۳۹۰: ص ۹۰).

۴-۵- بهره‌گیری مؤثر از ظرفیت فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و جریان‌های عدالت‌خواه خارج از جهان اسلام

ادیان، ظرفیت زیادی برای تقویت همگرایی بشر دارند و این امری مسلم است. جهان اسلام هم باید از همه ظرفیت‌های دین اسلام در گسترش گفت‌وگوی بین ادیان استفاده کند و در این روند به همه ابعاد دین و همه پیروان ادیان توجه نماید. باتوجه به سابقه برگزاری همایش‌های پارلمان ادیان جهان، این پارلمان یکی از اجتماعات بزرگی است که از گفت‌وگوی بین ادیان دفاع می‌کند. دو الگویی که پارلمان ادیان در صد سال اخیر از آن پیروی کرده، عبارت است از: تکیه بر تجربه عرفانی ادیان؛ و تکیه بر اخلاق جهانی. به عبارت دیگر، در دوره اول سعی می‌شد وجه معنوی و تجربه عرفانی ادیان به عنوان نقطه مشترک مدنظر قرار گیرد و در دوره بعد، یعنی اواخر قرن بیستم به بعد، بر اخلاق جهانی تأکید شد. در هر دو دوره، با پرداختن به یک جنبه از دین، از جنبه‌های دیگر غفلت گردیده است. همچنین، در هر دوره به یک گروه از پیروان ادیان پرداخته شده است: در دوره اول به عرفا؛ و در دوره دوم به اخلاق‌گرایان. در مجموع، ایران اسلامی باید از همه ظرفیت‌های دین در گسترش گفت‌وگوی بین ادیان استفاده کند و در این روند به همه ابعاد دین و همه پیروان ادیان توجه داشته باشد.

مهم‌ترین محورها برای اقدامات اجرایی این پیشران بدین قرار است:

- ضرورت توجه به همه ظرفیت‌های دین در گسترش گفت‌وگوی بین ادیان؛

- اشاعه گفتمان صلح جهانی از طریق معرفی اسلام به عنوان دین صلح.

۴-۶- اشاعه بیداری اسلامی و نقش آن در فرایند تحقق تمدن اسلامی خارج از جهان اسلام

بسط انقلاب اسلامی تا تمدن اسلامی را در پنج مرحله می‌توان مرحله‌بندی کرد: انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، ملت اسلامی، دولت اسلامی و تمدن اسلامی. تحولات اخیر منطقه و کشورهای اسلامی، درواقع مرحله سوم از این فرایند را محقق می‌سازد. بیداری‌ای که از انقلاب اسلامی نشئت گرفته است، در مرحله اول ملت‌های اسلامی را تحت تأثیر قرار خواهد داد و این موجبات شکل‌گیری ملت اسلامی را فراهم خواهد کرد. تحقق تمدن اسلامی، به عنوان بسط‌یافته‌ترین شکل حاکمیت اسلامی، وابسته به تحقق دولت اسلامی، و دولت اسلامی وابسته به شکل‌گیری ملت اسلامی است (دهقانی فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۹۲: ص ۱۶۷-۱۶۵).

۴-۷- معرفی تمدن نوین اسلامی در خارج از جهان اسلام به عنوان قالب کلان دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی

ایجاد و گسترش شناخت، علاقه و باور به اسلام ناب، انقلاب اسلامی، مزیت‌های جمهوری اسلامی ایران و فرهنگ و تمدن اسلامی - ایرانی در جوامع دیگر، به منظور گسترش پرتو اسلام و تحکیم همگرایی و پیوندهای اسلامی، دینی و معنوی، مهم‌ترین هدف این پیشران است؛ و

مهم‌ترین مأموریت در این راستا عبارت است از: راهبری روابط فرهنگی بین‌المللی و سیاست‌گذاری، هماهنگی، هدایت، حمایت و نظارت بر فعالیت‌های فرهنگی - تبلیغی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور به منظور تحقق اهداف نظام در این روابط. در این راستا، سازمان فرهنگ و ارتباطات وظیفه دارد تمدن نوین اسلامی ایرانی را معرفی کند و می‌تواند از دیپلماسی هیئت‌علمی، دیپلماسی نوروز، دیپلماسی رمضان، و دیپلماسی قرآن در ریزنی‌های فرهنگی استفاده کند (محمدی، ۱۳۸۷).

۴-۸- بررسی عملکرد و تأثیر بر خط‌مشی اتاق‌های فکر خارج از جهان اسلام

مهم‌ترین ابزار قدرت نرم در جهان، اندیشکده‌ها و اتاق‌های فکرند که بیش از هفت هزار از آنها دارای قدرت تأثیرگذاری بر روند تصمیم‌گیری کشورهايند؛ به گونه‌ای که در آمریکا ۱۸۳۵، در چین ۴۳۵، در انگلیس ۲۸۸ و در آلمان ۱۹۵ اندیشکده فعال وجود دارد. اتاق‌های فکر را می‌توان مجموعه‌های سازمان‌یافته‌ای تلقی کرد که با مطالعات خود، پیشنهادهایی را در زمینه سیاست داخلی و همچنین جهت‌گیری‌های سیاست خارجی ارائه می‌دهند. این‌گونه گروه‌ها، به‌طور عموم مشارکت و همکاری‌هایی را با حزب‌های سیاسی، ساختار حکومتی، گروه‌های ذی‌نفوذ و شرکت‌های خصوصی انجام می‌دهند. در عین حال، این گروه‌ها غیرحکومتی‌اند. به همین دلیل است که دارای کارکرد و جهت‌گیری فراحزبی‌اند. آنان در حوزه‌های تحلیل سیاسی، علوم اجتماعی، علوم سیاسی، اقتصاد، سیاست‌گذاری عمومی و روابط بین‌الملل فعالیت دارند. نتایج فعالیت پژوهشی این مجموعه‌ها، در قالب کتاب، تک‌نگاره، گزارش، برگزاری همایش و گردهمایی، برای توجیه مسئولان و تصمیم‌گیران رسمی منتشر می‌شود. از همین روست که اتاق‌های فکر را می‌توان در لایه‌های گوناگونی تقسیم‌بندی کرد. اتاق‌های فکر، در زمره نهادهای تحلیلی برای سیاست‌گذاری خارجی در جهان غرب شمرده می‌شوند. شاید هیچ کشوری به اندازه ایالات متحده در زمینه تولید دانش، اندیشه و مفاهیم اجتماعی سرمایه‌گذاری نکرده باشد. اتاق‌های فکر در آمریکا، عمدتاً در واشنگتن دی‌سی قرار دارند. این امر نشان می‌دهد که بین اتاق‌های فکر در آمریکا و روند سیاست‌گذاری امنیتی، رابطه ارگانیک وجود دارد. برای پیش‌بینی و درک چشم‌انداز آینده سیاست‌های آمریکا در حوزه خارجی، فقط کافی است سری به وبسایت‌های این مؤسسات تحقیقاتی زد یا آثار مکتوبشان را مطالعه کرد. نخبگان فکری و ایزاری آمریکا در شورای روابط خارجی، زمینه لازم برای تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی‌های راهبردی را به وجود می‌آورند. در سال‌های دیپلماسی هسته‌ای ایران، اعضای شورای روابط خارجی آمریکا نقش تعیین‌کننده‌ای در تولید فکر و ادبیات راهبردی داشته‌اند. باتوجه به افزایش فعالیت اتاق‌های فکر بعد از جنگ سرد، ضرورت توجه به این پیشران، بیش‌ازپیش مشخص می‌شود.

۴-۹- همکاری و گسترش ارتباطات در سطوح دانشگاهی و مراکز تحقیقاتی خارج از جهان اسلام

امروزه تعامل و همکاری‌های جهانی، به‌ویژه در زمینه علم و فناوری، با توجه به حجم روزافزون اطلاعات و نیز پیشرفت سریع فناوری‌های نوین، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. در این راستا، ارتقای همکاری‌های علمی و افزایش دسترسی به دانش و فناوری‌های روزآمد، با توجه به ارتباط مستقیم آن با توسعه تمدنی، یکی از پیشران‌های اصلی قلمداد می‌شود. برای مثال، جامعه المصطفی نهادی آموزشی - پژوهشی با رویکرد دینی است که با سابقه‌ای بیش از دو دهه، نزدیک به هجده هزار دانشجوی خواهر و برادر را از ۱۰۸ کشور جهان جذب کرده است. تأسیس ده‌ها نمایندگی در سراسر جهان و راه‌اندازی بیش از ۱۵۰ رشته و گرایش تحصیلی در مقطع کارشناسی، ارشد و دکترا، با بهره‌گیری از حدود دو هزار استاد و عضو هیئت علمی داخلی و خارجی، بخشی از اقدامات این دانشگاه بزرگ بین‌المللی به‌شمار می‌رود. این مرکز آموزش عالی تلاش می‌کند تا با بهره‌گیری از تجربه پرافتخار و دیرینه حوزه‌های علمیه و تلفیق آن با نوآوری‌های علمی، آموزش علوم اسلامی و انسانی را به داوطلبان در نقاط مختلف جهان ارائه دهد. جامعه المصطفی العالمیه نیز به‌مثابه نهاد متولی گسترش معارف ناب اسلامی در محیط بین‌الملل، با هدف بهره‌گیری هوشمندانه از آخرین فناوری‌های آموزشی روز، گام در فضای آموزش غیرحضوری نهاد و در سال ۱۳۸۲ به تأسیس مرکز آموزش غیرحضوری اقدام کرد. مأموریت اصلی این مرکز، ارائه معارف ناب وحیانی و ترویج برداشت صحیح از دین مبین اسلام و دیدگاه‌های مترقی آن برای غیرمسلمانان و تعمیق سطح دین‌شناسی مسلمانان از رهگذر طراحی و اجرای دوره‌های آموزشی متناسب با نیاز مخاطبان، به‌شیوه غیرحضوری و با بهره‌گیری از ابزارهای نوین و روزآمد بشری، از قبیل شبکه اینترنت، رسانه‌های دیداری شنیداری، و... است. اهداف این سازمان عبارت است از:

- ارائه تصویر روشن و نورانی از چهره اسلام برای غیرمسلمانان؛
- ترویج معنویت و اخلاق در گستره وسیع؛
- عمق و شتاب بخشی به جریان تحریف‌زدایی از آموزه‌های ناب اسلامی؛
- ایجاد بستر مناسب برای تحکیم پایه‌های معرفتی - ایمانی خرده‌جمعیت‌های مسلمان در کشورهای جهان؛
- پوشش دادن طیف وسیعی از مخاطبان آموزه‌های اسلامی در سراسر جهان؛
- عبور از موانع موجود در مسیر توسعه آموزش‌های حضوری جامعه المصطفی؛
- رفع نیازهای آموزشی نمایندگی‌های جامعه المصطفی در خارج و داخل.

۴-۱۰- حضور در مجامع و همایش‌های بین‌المللی فرهنگی

شرکت فعال در رخدادها و جشنواره‌های فرهنگی، مانند فیلم، داستان، تئاتر و بازی‌های المپیک، و برگزاری نمایشگاه‌ها، گردهمایی‌ها، کارگاه‌ها و همایش‌های فرهنگی در کشورهای مقصد و حضور اندیشمندان در کشورهای مبدأ به صورت متقابل، از مهم‌ترین ابزارهای دیپلماسی فرهنگی به شمار می‌رود. تبیین و گسترش تمدن نوین اسلامی در قالب اهداف فرهنگی، به دو منظور انجام می‌گیرد:

نخست، تصویرپردازی واقعی و مثبت، که تصورات کلیشه‌ای نادرست و تلقی‌ات مخدوش از آن را اصلاح کند؛ چون بسیاری از موانع، تصاویر و تعبیر واقعی از مردم، فرهنگ و تمدن اسلامی، ناشی از سوء برداشت‌ها و سوء تفاهم‌های دیگر ملت‌هاست که خود معلول عدم درک و شناخت واقعی آن است؛

دوم، خنثی‌سازی و مقابله با تصاویر و تبلیغات منفی‌ای است که برخی کشورها و بازیگران بین‌المللی از جهان اسلام ارائه داده‌اند؛ بنابراین، معرفی و اشاعه فرهنگ اصیل اسلامی از طریق دیپلماسی، یکی از مهم‌ترین و بهترین راهکارها و سازوکارهای مواجهه با این سیاست فرهنگی و منطقه‌ای به شمار می‌رود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ص ۱۰۶).

۵- الگوی فعالیت‌ها در خارج از جهان اسلام بر مبنای پیشران‌ها

در یک بررسی کلی، گرایش‌های فرهنگی مناطق مختلف جغرافیایی جهان را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد و نوع دیپلماسی تأثیرگذار بر این مناطق را به کار گرفت. این تقسیم‌بندی، باتوجه به شرایط اقتضای دنیای معاصر قابل فرض است، نه به شکل کلاسیک آن (مقدس، ۱۳۸۰: ص ۱۲۰-۱۱۹).

مناطق اروپا و آمریکا: این مناطق، مدعی تمدن برترند و علم و فناوری را پشتوانه آن تمدن قلمداد می‌کنند و وابستگی ریشه‌ای خود به مذهب را شاید بتوان گفت فراموش کرده‌اند؛ در حالی که پیشرفت این تمدن، مدیون ارزش و جایگاه کار در دیدگاه مسیحیت پروتستان است؛ ولی اکنون فلسفه این برتری را به فلسفه کهن یونان پیوند می‌زنند. در عین حال، گفت‌وگوی ادیان و تمدن‌ها از جایگاه ویژه‌ای در این مناطق برخوردار است. بنابراین، می‌توان گفت که زبان تأثیرگذاری در این منطقه، عبارت است از زبان علم و فناوری؛ یا به عبارتی، بازگو کردن پیشرفت‌های علمی و به رخ کشیدن آنها؛ و همچنین زبان و ادبیات امروز جهانی، سیاست است؛ مثل دموکراسی، حقوق بشر، حقوق زنان، و دیپلماسی گفت‌وگوی فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و ادیان. مناطق آسیای میانه و شبه‌قاره: باتوجه به اشتراکات تمدنی با کشورمان و تأثیرگذاری فرهنگ ایران زمین بر فرهنگ آنها، دو نوع دیپلماسی برای دو منطقه مفروض می‌توان در نظر گرفت:

الف) در منطقه آسیای میانه، از دیپلماسی زبان و ادبیات فارسی، فرهنگ و تمدن حوزه ایران قدیم، و دیپلماسی نوروز که از بزرگ‌ترین اسطوره‌های ایران باستان است - می‌توان بهره گرفت؛

ب) در منطقه شبه‌قاره، به‌نظر می‌رسد می‌توان از دیپلماسی زبان فارسی، تمدن فرهنگ حوزه ایران باستان، تمدن اسلام، و جاده ابریشم، به‌عنوان یکی از ریشه‌ها و بسترهای مهم و تأثیرگذار روابط در این مناطق، استفاده کرد.

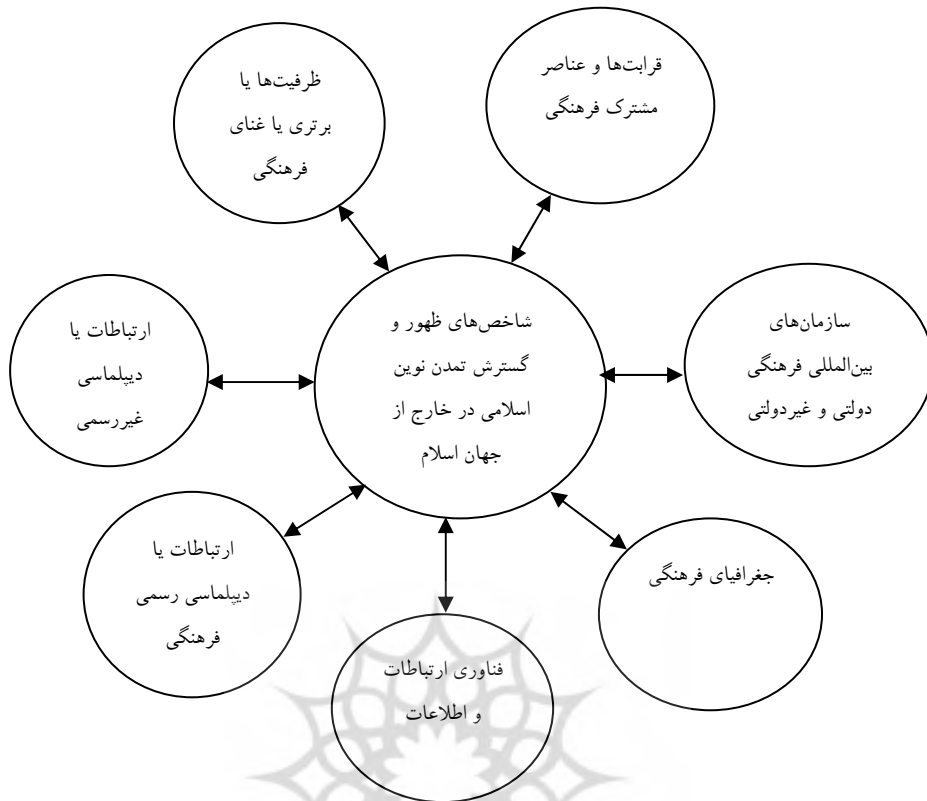
مناطق کشورهای عربی (آفریقایی و آسیایی): در این مناطق، از دیپلماسی قرآن و تمدن اسلام و آموزه‌های پیامبر اسلام به‌عنوان مهم‌ترین اشتراکات و زمینه‌های روابط دوستانه دوجانبه، و درنهایت، زبان فارسی به‌لحاظ آثار مشاهیر گذشته و تاریخی کشورمان به زبان عربی و فارسی می‌توان استفاده کرد.

مناطق کشورهای آفریقایی: در این مناطق می‌توان دیپلماسی علم نوین، ادبیات روز جهانی (دمکراسی، حقوق بشر)، ادیان و حتی اطلاع‌رسانی درباره وارونه نشان دادن واقعیت‌ها از سوی غرب و رسانه‌های غربی به‌منظور استثمار این مناطق را به‌کار برد. مناطق ملل شرق: این مناطق در دو گروه قابل تصور است:

الف) ملل جنوب شرق آسیا، مثل اندونزی، مالزی و...، که در این مناطق باید از دیپلماسی آموزه‌های اسلامی و علم و فناوری و ادبیات نوین سیاست جهانی (دمکراسی و حقوق بشر) استفاده کرد؛

ب) ملل شرق، مثل ژاپن، کره، هند، چین و...، که در این مناطق، دیپلماسی گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، و دیپلماسی علم و فناوری برای تأثیرگذاری قابل تصور است (صالحی - امیری و محمدی، ۱۳۸۹: ص ۳۹۲-۳۹۱).

فرض بر این است که با این تقسیم‌بندی بتوان با طراحی دیپلماسی فرهنگی در هر مناطقی، با استفاده از منابع و امکانات محدود، تأثیرگذاری بیشتری داشت و به دستاوردهای مطلوب و موردنظر دست یافت. البته منظور ما از انواع دیپلماسی‌های موردنظر (دیپلماسی علم، فناوری، زبان فارسی، قرآن کریم، تمدن اسلام، تمدن ایران، ادبیات نوین جامعه جهانی، فرهنگ، ادیان و تمدن‌ها، نوروز، جاده ابریشم و...)، از یک سو استفاده از ظرفیت آنها برای رساندن پیام نظام جمهوری اسلامی و تبیین جایگاه انقلاب و نظام اسلامی در این مناطق است؛ و از سوی دیگر، منظور از هر دیپلماسی در هر منطقه، اولویت‌بندی تأثیرگذاری این استراتژی‌هاست؛ و به‌عبارتی، از همه استراتژی‌ها می‌توان با توجه به شرایط و مقتضیات روز و جامعه جهانی در مناطق و کشورهای مختلف بهره برد؛ ولی فرض بر این است که برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌های فرهنگی با گرایش دیپلماسی موردنظر هر منطقه، تأثیرگذاری بیشتری خواهد گذاشت و ما را در رسیدن به هدف گسترش تمدن نوین اسلامی کمک خواهد کرد.



نمودار ۱. الگوی گسترش تمدن نوین اسلامی در خارج از جهان اسلام

الگوی ارائه‌شده در نمودار ۱، امکان می‌دهد با یک ملاحظه منسجم و جامع‌نگر به تمامی شاخص‌ها و بسیج آنها، به‌منظور پیشبرد پیشران‌ها گام برداشته شود.

۶- نتیجه‌گیری

بیشتر صاحب‌نظران مسائل بین‌المللی معتقدند که ایران اسلامی همواره ایجاد همبستگی مسلمانان را یکی از رسالت‌های جهانی خود فرض می‌کند و در این مسیر تلاش‌های عملی زیادی را به‌کار برده است؛ به عبارت دیگر، جمهوری اسلامی ایران زمینه را برای شکل‌دهی به هویت مشترک اسلامی، به‌ویژه در سطح ملت‌ها، چه در بعد سلبی و چه در بعد ایجابی، تقویت کرده است؛ اما از آنجایی که تاکنون به‌دلایلی درباره راهبرد یادشده فاقد اصول و راهکارهای نظام‌مند بوده‌ایم و بررسی مؤلفه همکاری‌های بین‌المللی و مسائل سیاستی حاکم بر این روابط، نشان از نبود سیاستی مدون و مشخص توسط یک مرجع عالی می‌باشد، لازم است با همکاری کشورهای جهان اسلام با تدوین اصول و سیاست‌های شفاف و واقع‌بینانه در حوزه همکاری‌های بین‌المللی علمی، پژوهشی و فناوری، موجبات تحقق چشم‌انداز بیست‌ساله و توسعه

متوازن کشور و هدف غایی سعادت بشر در چهارچوب نظام معیار فراهم آید. در این مسیر، تحول در نگرش‌ها، تدوین نقشه راه، تبیین دقیق راهبردها مبتنی بر موقعیت‌یابی، آسیب‌شناسی و محیط‌شناسی، تهیه برنامه‌های توسعه فرهنگی بین‌الملل، بسترسازی برای ایجاد تشکلهای همسوی غیردولتی و...، ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیری هستند که در فرایند موضوع مورد مطالعه با همکاری کشورهای جهان اسلام، باید مورد توجه قرار گیرند.

هرکدام از پیشران‌های ده‌گانه گفته‌شده، در حکم قواعد و رویه‌های نه لازم‌الاجرا، ولی درخور توجه برای کشورهای اسلامی‌اند که تدوین و اجرای برنامه‌های متعدد پیرامون هریک از این پیشران‌ها، به تقویت هویت مشترک فرهنگی اسلامی در غرب می‌انجامد. درهرحال، این پژوهش با عنایت به طراحی پیشران‌های متعدد فرهنگی، تدوین راهکارهای مربوط به آنها، و همچنین اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌های متنوع، گام مهمی در طراحی سیاست‌گذاری فرهنگی جهان اسلام برداشته است. در این چهارچوب، جمهوری اسلامی ایران که توجه خاص به حوزه خارج از جهان اسلام دارد، می‌تواند با بهره‌گیری از بستری که فراهم کرده است و همچنین راهبردهای تدوین و مصوب‌شده برای سیاست‌گذاری فرهنگی بر جهان اسلام، گام‌های اساسی بردارد که این امر تنها در پرتو تعامل و نقش‌آفرینی در کلیه فعالیت‌ها و برنامه‌ها میسر است. بدیهی است هریک از پیشران‌ها به‌نوبه‌خود دارای نقشه، اهداف راهبردی، پروژه‌ها و برنامه‌های مستقلی است که مبنای برنامه‌ریزی برای کلیه اقدامات فرهنگی شمرده خواهند شد.

درمجموع، باتوجه‌به رسالت خطیر جمهوری اسلامی ایران در حوزه بیدارگری و پیشگامی در عرصه تمدن نوین اسلامی با به‌کارگیری حداکثری از ظرفیت‌های غنی و فرهنگی اسلامی و هم-افزایی دستگاه‌های مسئول، می‌توان به عملی شدن پیشران‌های تعیین‌شده در عرصه بین‌الملل امید بیشتری داشت. همچنین باتوجه‌به گفتمان انقلاب اسلامی، برای تحقق‌بخشی به تمدن نوین اسلامی، چشم‌انداز آن را باید در برخورداری از تصویری الهام‌بخش در عرصه‌های عدالت-خواهی، ترویج اندیشه اصیل اسلامی، زمینه‌سازی برای اقتدار امت اسلامی، شکل یافتن تمدن نوین اسلامی و ارائه الگوی پیشرفت و وحدت اسلامی قرار داد تا شاهد عصر زرین دیگری در تاریخ اسلام و ایران باشیم.

کتابنامه

۱. اسناد پشتیبان نقشه جامع علمی کشور. (۱۳۸۷). کمیته علوم انسانی، معارف اسلامی و هنر. تهران. شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۲. باوند، داود. (۱۳۷۴). «حرکت به‌سوی آزادی و باورهای غرب». اطلاعات سیاسی اقتصادی. شماره ۱۰۱ و ۱۰۲.
۳. تحلیلی بر سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴. (۱۳۸۷/۱۰/۰۱). مراجعه در تاریخ: ۱۳۹۱/۰۳/۰۱. خبرگزاری فارس. به‌نشانی: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8710010678>
۴. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و همکاران. (۱۳۹۲). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران. انتشارات سمت.
۵. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۸۹). «دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی در خلیج فارس». فصلنامه سیاست. دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دوره ۴۰. شماره ۴.
۶. روح‌بخشان، ع. (۱۳۸۱). «سابقه و تاریخچه زبان فارسی در اروپا». تهران. پیام کتابخانه. دانشگاه تهران.
۷. سریع‌القلم، محمود. (۱۳۹۰). «قواعد تمدن‌سازی و آینده تمدن‌سازی؛ گزارشی از کنفرانس فرهنگ و تمدن اسلامی». نامه فرهنگ. سال ۳. شماره ۴۴.
۸. سند راهبردی برنامه اول توسعه فعالیت‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در ترکیه (۱۳۹۴-۱۳۹۰). (۱۳۸۹). ستاد برنامه‌ریزی و مهندسی روابط فرهنگی بین‌المللی.
۹. سیف‌زاده، حسین. (۱۳۷۶). جزوه درسی «نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل، مبانی و قالب‌های فکری». مقطع کارشناسی ارشد. دانشکده روابط بین‌الملل.
۱۰. شریفی‌نیا، محمدحسین. (۱۳۷۹). «به‌سوی تمدن اسلامی، ضرورت‌ها و بایسته‌ها». روش‌شناسی علوم انسانی. شماره ۲۳.
۱۱. شیدائیان، حسین. (۱۳۸۹). «راهبردها و راهکارهای جهان اسلام در مقابله با استکبار جهانی، از دیدگاه امام و رهبری». فصلنامه پیام. شماره ۸۲.
۱۲. صالحی امیری، سیدرضا و سعید محمدی. (۱۳۸۹). دیپلماسی فرهنگی. تهران. ققنوس.
۱۳. طلوعی اشلقی. عباس و مرتضی داوودی. (۱۳۹۰). «شناسایی برنامه‌ها و فعالیت‌های موازی سازمان تبلیغات اسلامی با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و تبیین معایب آن بر مدیریت فرهنگی کشور و ارائه راهکارهای هماهنگ‌سازی». پژوهشنامه برنامه‌ریزی فرهنگی. شماره ۳.
۱۴. عسگرخانی، ابومحمد. (۱۳۷۵). «رژیم‌های بین‌المللی». فصلنامه روابط بین‌الملل. شماره ۱۴ و ۱۵.

۱۵. قربانی شیخ‌نشین، ارسلان و جواد کارآزما. (۱۳۹۱). «بیداری اسلامی و دستگاه دیپلماسی ایران؛ فرصت و تهدیدها». فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی. سال ۹. شماره ۲۸.
۱۶. کریمی، غلامرضا. (۱۳۹۰). بررسی راهبردهای فرهنگی سازمان آیسيسکو از منظر همکاری جمهوری اسلامی ایران. تهران. پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۱۷. متقی، ابراهیم و افسانه رشاد. (۱۳۹۰). «نقش قدرت نرم در گسترش بیداری اسلامی خاورمیانه». فصلنامه راهبرد دفاعی. سال ۹. شماره ۳۳.
۱۸. محمدی، منوچهر. (۱۳۸۷). «برخورد تمدن‌ها یا برخورد با نظام سلطه». حکومت اسلامی. سال ۱۳. شماره ۲.
۱۹. مقدس، محمد. (۱۳۸۰). راهبرد فرهنگی جهان اسلام. ترجمه محمد مقدس. گردآورنده: سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی. تهران. الهدی.

20. Hass, Ernest. (1985). "Words can hurt you". In: Stephan Krasner's International Regimes. Ithaca & London. Cornell University Press.

21. Hopf, T. (1998). "The Promise of Constructivism in International Relations Theory". International security. 23. 1.

22. Keoheane, Robert. (1984). **After Hegemony (cooperation & Discord in the World Political Economy)**. Princeton. New jersey. Princeton University press.

